

عنوان مقاله:

روایت شناسی ساختارگری داستان «رستم و شغاد»

محل انتشار:

همایش بین المللی جستارهای ادبی، زبان و ارتباطات فرهنگی (سال: 1394)

تعداد صفحات اصل مقاله: 16

نویسندگان:

نازیلا یخدانساز - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد واحد تبریز، ایران

اصغر درگاهی پیر الوان - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد واحد تبریز، ایران

خلاصه مقاله:

منطق زندگی بشر پیش از آنکه بر اساس رابطه علت و معلولی باشد؛ منطق داستانی است؛ با این تعریف، بخش عظیمی از اهمیت روایت و توجه منتقدان بدان برخاسته از این امر است که روایت نه فقط در اشکال مختلف بیان فرهنگی، بلکه در الگوهای تجارب خود ما و همین طور بینش ما از زندگی، نقش بنیادی ایفا می کند. گروهی از منتقدان ساختارگرا به منظور ارائه شگردهای آثار برتر ادبی و گسترش الگوهای پردازش به کمک این شگردها، به فرم های روایی و بررسی عناصر داستان و قوانین ترکیب آنها پرداختند. از جمله این منتقدان «ولادیمیر پراپ»، «کلود برمون» و «گریماس»، با ابداع نظام های خاص مبتنی بر اشکال روایت، هریک طرح و نظریه ای بر پایه چگونگی رابطه بین نشانه های داستان، پیشنهاد می کنند؛ پژوهش حاضر، داستان «رستم و شغاد» را با توجه به نظریه های این روایت شناسان و چگونگی انطباق اجزاء داستان با نظریات این گروه، مورد تحلیل و بررسی قرار می دهد. این جستار با هدف انطباق داستان مذکور با معیارهای روایت شناسان ساختارگرا، در پی نشان دادن نقش مهم این معیارها، در الگو شناسی روایی داستان های حماسی است

کلمات کلیدی:

روایت شناسی ساختارگرا، پراپ، برمون، گریماس، داستان رستم و شغاد

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/533353>

